

کوتاه‌تر از گزارش

بودجه، گوش وزارت بهداشت را برید

	
<div>مریم خباز</div>	
	
جامعه	

🔴 زیاد دور نیست، همین ۹ ماه پیش بود که معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت با لحنی حاکی از رضایت، یک مشت عدد درشت را اعلام کرد و خبرخوب افزایش بودجه حوزه سلامت را به مردم داد. در آن روز پاییزی، کامل تقوی‌نژاد داشت پشت سر هم از افزایش بودجه حرف می‌زد؛ افزایش اعتبارات هزینه‌ای، بودجه دانشگاه‌ها، اعتبارات پژوهشی و بودجه مخصوص تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و خیلی چیزهای دیگر که با شنیدن‌شان فقط می‌شد نفسی راحت کشید.

آن روزها کرونا هنوز به کشور نیامده بود، سایه تحریم‌ها ولی روی سرمان بود و بودجه‌نویس‌ها حتما می‌دانستند سال ۹۹ هم می‌تواند مثل سال‌های ۹۷ و ۹۸ سال سختی باشد، ولی با این حال بودجه حوزه سلامت را افزایشی نوشتند تا بودجه وزارت بهداشت باز هم از تعرض بودجه‌های انقباضی مصون بماند.

حالا ۹ ماه بعد است. یکی از روزهای آخر تابستان ۹۹ که هم‌کرونا به کشور آمده و ول‌کن نیست و هم سایه تحریم همچنان برسرمان مستدام است، با این فرق که بودجه وزارت‌بهداشت در این شرایط حساس و ویژه کم شده و با یک دودوتا چهارتا می‌شود فهمید تداخل این کاهش با کرونا و همه حواشی‌اش به چه معنی است.

سال ۹۸ کل اعتبارات وزارت بهداشت ۷۷ هزار و ۰۰۰میلیارد تومان بود که این رقم در لایحه بودجه به ۹۹ هزار و ۸۵۰میلیارد تومان افزایش یافت، به‌طوری‌که سهم بخش سلامت از بودجه کل کشور به ۴/۳ درصد رسید.

با این که این سهم، ناچیز است ولی همین که بودجه پیش‌بینی شده نسبت به سال قبل آب نرفته بود، جای امیدواری داشت اما اکنون درست در برهه‌ای که سلامت جامعه در تیررس انواع مخاطرات است، بودجه وزارت بهداشت کم‌شده است.

شاید حرف‌های دیروز رئیس‌جمهور، آنجا که می‌گفت در این شرایط سخت همین که آب و برق مردم قطع نمی‌شود موجب اعتماد عمومی است، پاسخی باشد بر چرایی کاهش بودجه وزارت بهداشت. حسن روحانی گفت درآمد نفتی ما در سال ۹۰ حدود ۲۰میلیارد دلار بود که این رقم در سال ۹۸ به حدود ۲۰میلیارد دلار رسید که البته درآمد تأیجی کار سال ۹۹ را نگفت، ولی همانی را که گفت منظورش این بود مردم بدانند با چه مشکلاتی روبرو هستیم.

در جهان یک اعتقاد وجود دارد و آن این‌که بودجه آموزش و پرورش و حوزه سلامت دو بودجه‌ای است که هرگز نباید کم شود، زیرا هزینه کردن در این دو بخش، نه خرج کردن سرمایه‌گذاری است. با این حال این روزها درشرایطی که مردم همزمان در دو جبهه اقتصادی و کرونا می‌جنگند، کاهش بودجه عمومی وزارت بهداشت بار مضاعفی است بر دوش ملت.

🔴 یک‌بام‌و‌هوا

کاهش بودجه وزارت بهداشت از زوایه دید دولت، اتفاق ناچار و برآمده از شرایط سخت اقتصادی است. از زوایه نگاه مردم اما قوزی بالای همه قوزهاست و از زوایه نگاه رئیس کمیسیون بهداشت مجلس چیزی نیست جز رفتار یک بام و دوهوایی دولت. حسنعلی شهریار برای حرفش چند دلیل دارد که به خبرگزاری خانه ملت توضیحشان داده. او گفته سازمان برنامه و بودجه با جذب ۲۲هزارنربر در وزارت بهداشت موافقت کرده، قول پرداخت معوقات کادر درمان را هم داده، ولی نه تنها به این قول‌ها به طور کامل عمل نکرده، بلکه بودجه عمومی وزارتخانه را نیز کاهش داده. جالب این که شهریارى توضیح می‌دهد این کاهش همزمان با پرداخت ۳۰درصد از اعتبارات کرونایی به وزارت بهداشت اتفاق افتاده، یعنی دولت یک سوم اعتبار کرونایی را پرداخته، ولی بودجه وزارت بهداشت را کم کرده.

این پرداخت و این حذف همزمان، آن هم در آستانه فصل پاییز که کرونا گویا قرار است بتازد، کمبود دارو نیز در کشور جدی است و کمبودهای مراکز درمانی جدی‌تر از آن است و از هر زاویه‌ای که نگاه شود صورت خوشی ندارد. 🔴



صعود کرونا در ۱۲ استان

بر اساس اعلام کمیته اپیدمیولوژی کرونا در هفته منتهی به ۲۱ شهریور ۱۲ استان کهگیلویه و بویر احمد، اصفهان، خراسان شمالی، لرستان، ایلام، سمنان، فارس، البرز، تهران، خوزستان، گیلان و کردستان روند صعود کرونا داشته‌اند. در ۱ استان چهارمحال بختیاری، مرکزی، هرمزگان، آذربایجان غربی، مازندران، خراسان رضوی، کرمان، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و گلستان روند ثبات با تغییرات مختصر و نامنظم را تجربه کرده‌اند. / جام‌چم‌دیلی



برخی داروها حتی

در داروخانه‌های مرجعی مثل ۱۳ آبان و ۲۹ فروردین نیز یافت نمی‌شود و این موجب سرگردانی مردم شده است

عکس؛

علیرضا رمضانی

کمبود دارو باعث شده اغلب بیمارانی که به داروخانه‌های مهم کشور مراجعه می‌کنند، دست خالی برگردند

نسخه پیچیده دارو

🔴 دفترچه کوچک را در دستانش می‌فشارد و با نگاهی لرزان چشم می‌دوزد به سردر بزرگ داروخانه، لب‌هایش می‌چنبد تا نوبتش شود و دفترچه را به مسؤول پذیرش برساند؛ «نه»، جواب تکراری این روزها به او است، در پی یافتن دارویی که پزشک روی صفحه سبز رنگ دفترچه بیمه‌اش نوشته است. داستان او، ماجرای این روزهای بسیاری از داروخانه‌های کشور است؛ شنیدن «نه» یا این که «نداریم» جواب یکی در میانی است که مدام از زبان کارمندان دارو خانه‌ها شنیده می‌شود. شرایطی که البته بعد از بیماری کرونا بدتر هم شده است.

حالا رسیدن به داروهای هورمونی، ضد افسردگی و حتی مسکن سخت است و درست‌شدن بازار سیاه برای بعضی از داروهای خاص که جزو فهرست داروهای مورد استفاده برای بیماری کروناست هم تبدیل به کابوس این روزهای بیماران و داروخانه‌های مرجع شده است. داروخانه‌هایی که البته به جز نایاب بودن داروها، بی‌توجهی به پروتکل‌های بهداشتی و استفاده نکردن از ماسک از سوی مراجعان نیز این روزها در آنها دیده می‌شود. مساله‌ای که شده نمکی روی زخم دیگر و داروخانه‌هایی که ۵۰درصد از داروهای مراجعین در آنها کمیاب است، حالا با بی‌توجهی به پروتکل‌های بهداشتی، چهره‌هایشان را سیاه‌تر هم کرده‌اند. این روزها شنیدن واژه «نداریم» از زبان متصدیان و صدای سرفه‌های خشک مراجعه‌کنندگان در داروخانه‌هایی که باید مرجعی برای رسیدن به دارو باشند و حتی داروهای نایاب در آنها پیدا شود، موسیقی ناموزنی رامی‌نوازد.

خیابان کریمخان، از آدم‌ها پر شده، آن‌قدر که از راه دور هم می‌توان تشخیص داد اینجا داروخانه ۱۳ آبان است. پیاده‌رو پر از مردان و زنانی است که ماسک زده و نزده، ایستاده‌اند. بالای پله‌ها، دو زن و یک مرد، با دستکش در دست و ماسک و شیلد بر صورت، ایستاده‌اند و هر از گاهی به داخل داروخانه سرک می‌کشند. زن جوان‌تر که دست‌هایش را سیخ تا جلوی صورتش بالا گرفته است از مرد می‌پرسد: «نوبتمان شد؟» مرد اما سرتکان می‌دهد به نه. داخل سالن مربعی شکل کوچک هم پر از جمعیت است. یک ردیف صندلی کنار در شیشه‌ای ورودی چیده‌اند و چهار ردیف صندلی هم پشت به پشت و هم، طوری که انگار با یکدیگر قهر کرده‌اند، وسط سالن نشسته‌اند. همین چهار ردیف، مربعی ساخته‌اند و هر کدام رویشان به طرفی است؛ یک ردیف به طرف صندوق، یک ردیف به سمت در ورودی و دو ردیف هم به طرف پیشخوان تحویل دارو و پیشخوان پذیرش. صندلی‌ها را دور از هم نشانداده‌اند و روی هر کدام از آنها، یکی در میان، ضریدر زده‌اند تا کسی رویشان ننشیند. همه صندلی‌ها پر است از بیمارانی که ماسک به صورت زده و بی‌صدا، یکی در میان نشسته‌اند. دور تا دور سالن هم از بیمارانی پر شده است که به انتظار ایستاده‌اند دست به سینه با گوش‌های تیز؛ بلندگوی سالن صدا می‌کند «شماره ۲۵۲ و مرد مسنی، با کمری خمیده، کاغذ صندوق را در دستش می‌فشارد و به طرف پیشخوان تحویل دارو می‌رود تا کیسه داروها را تحویل بگیرد، متصدی فقط «نیمی‌ای داروهایش» را به او تحویل می‌دهد و مرد مسن به تاتفس سر تکان می‌دهد و همان‌طور با کمری خمیده، با کیسه‌ای که در دستش خش‌خش می‌کند از داروخانه خارج می‌شود.

🔴 متصدی پذیرش یا مامور راهنما

نوزده بیست نفر نامنظم پشت‌هم ایستاده‌اند؛ در دو صف کنار هم و هرکدام کاملاً چسبیده به نفر جلویی، به طوری که اگر یک نفرشان پایش پیچ بخورد، برخورد می‌کند به نفر جلویی و این برخورد تا شخمی که رو به پیشخوان پذیرش است، ادامه پیدا می‌کند و صف را به هم می‌زنند. مراجعان یکی در میان ماسک به صورت زده‌اند، جوان‌ترها البته

یک میلیون روستایی و عشایر بیمه می‌شوند

علی شیرکاتی، مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر گفت: از ابتدای مهر بیش از یک میلیون نفر از روستاییان و عشایر که بدون هر نوع بیمه اجتماعی هستند تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند. وی افزود: در این طرح افراد هشت سطح درآمدی دارند و هر فرد با توجه به سطح درآمدی خود، ۵، ۱۵، درصد حق بیمه پرداخت می‌کند که ۵ درصد آن را بیمه‌شده و ۱۰ درصد را دولت به عنوان کارفرما پرداخت می‌کند. / فارس



ایستاده‌اند، یکی در میان از هم می‌پرسند: «اینجا انسولین دارد؟» یک مرد میانسال سرش را پایین می‌اندازد و به ابتدای صف می‌رود. مرد جوانی اعتراض می‌کند، پیرمرد می‌گوید فقط می‌خواهد بداند این داروخانه انسولین دارد یا نه. همه اعتراض می‌کنند. یکی از زن‌ها می‌گوید: «همه ما می‌خواهیم بدانیم، انسولین دارند یا نه.» مرد از پشت عینکش نگاهی به صف طولانی می‌اندازد و چهل پنجاه قدم تند و بلند، قدم برمی‌دارد تا به آخر صف می‌رسد. صف تند و سریع به جلو می‌رود. مراجعان سرشان را نزدیک باجه کوچک پذیرش می‌برند و می‌پرسند: «انسولین ندارید؟» برخی هم می‌گویند «قرص کروم (کرمیوم پیکولینات - قرصی برای کنترل قند خون) ندارید؟» بعد هم آهسته با دفترچه‌هایی که در دستانشان می‌لرز از پیشخوان دور می‌بیرون زده. صدای پیرمردی از داخل صف شنیده می‌شود: «ما انسولین مان را از کجا پیدا کنیم؟ هیچ داروخانه‌ای ندارد.» سکوت، پاسخ سوال او است، چراکه نه هیچ‌کدام از مراجعان و نه متصدی پذیرش، جوابی برای سوالش ندارند.

مرد، لاغر است، رگ‌هایش اما از دستان استخوانی‌اش بیرون زده. با صدایی لرزان و آهسته از پشت ماسک می‌گوید: «دیروز همه داروهایم را ناددید.»

🔴 ایرانی یا خارجی؟

متصدی منتظر است مراجعه‌کننده جواب دهد که سترالین (داروی ضد افسردگی) ایرانی را می‌خواهد یا نه، مراجعه‌کننده از پشت تلفن با صدای بلند از کسی می‌پرسد: «ایرانی بگیرم یا نه؟ خارجی در هیچ داروخانه‌ای نیست.» یکی از مراجعان، داروی زولادکس می‌خواهد، دارویی هورمونی که برای پیشگیری از سرطان به‌ویژه سرطان پروستات و پستان استفاده می‌شود. این دارو اما پیدا نمی‌شود. مرد جوان این را که از متصدی پذیرش می‌شنود، می‌گوید: «حتی ایرانی‌اش را هم ندارید؟» صدای متصدی محو شنیده می‌شود. مراجعه‌کننده بعدی هم به دنبال همین داروست، البته داروی خارجی زولادکس و از متصدی می‌پرسد: «خارجی کی می‌آید؟» متصدی او را به داروخانه‌ای در مرکز شهر می‌فرستد، شاید آن داروخانه داشته‌باشد.

مرد نشسته است روی صندلی و با گوش‌اش بازی می‌کند. ماسک به صورت نزده و در پایان هر جمله، نفسی تازه می‌کند، می‌گوید برای پیدا کردن قرص ناپروکسن (قرص ضدالتهاب) چند داروخانه را گشته تا به پدرش که به بیماری کرونا مبتلا شده است، برساند. مرد صورتش را فروخته می‌شود، سرفه‌ای می‌کند و دماغش را با خشم بالا می‌کشد. صدایش می‌کنند. به سمت باجه تحویل دارو می‌رود، داروهایش را در سبیدی تحویل می‌گیرد. لیست داروها را با نسخه‌اش تطبیق می‌دهد، سرتکان می‌دهد و می‌گوید: «دو تا از داروهایم را گذاشت.»

زن چادر به سر، با نسخه‌ای به دست وارد داروخانه می‌شود، به دنبال داروی مایفورتیک دخترش، راهنش کشیده شده است به این داروخانه. نامید، با بشمانی خیس از اشک، نگاه می‌کند به صف طولانی، با چادرش صورت و ماسکش را می‌پوشاند. دفترچه در دستان زن خیس و مچاله شده است. 🔴

🔴 داروهای کمیاب، بیماران دردمند

زن مچاله شده است روی صندلی و با چادر روی ماسکش را پوشانده. در چشم‌هایش اشک جمع شده، می‌گوید تمام داروخانه‌های شهر را در به در دنبال داروی مایفورتیک (دارویی برای بیماران پیوند کلیه) گشته و هیچ داروخانه‌ای آن را پیدا نکرده. اشک گوشه چشمش را پاک می‌کند و می‌گوید: «اگر دارو را پیدا نکنم بدن دخترم کلیه را پس می‌زند.» زن تعریف می‌کند که دخترش بعد از سه سال انتظار، حالا پیوند کلیه‌اش را انجام داده است، اما داروهایش کمیاب است. حرف زن که به اینجا می‌رسد، پیرمردی مماغش

مشکلی نداریم!

همه مدیران دولتی از این می‌گویند که مشکل دارویی در کشور وجود ندارد و ایران به خودکفایی ۹۷ درصدی در تولید دارو رسیده است. اما بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد این روزها حتی برخی داروهای ایرانی هم یافت نمی‌شود. وقتی از فرامرز اختراعی، رئیس هیات مدیره سندیکای تولیدکنندگان مواد دارویی، شیمیایی و بسته‌بندی دارویی تهران درباره کمبود داروهای ایرانی می‌پرسم، او به ما پاسخ می‌دهد: «آن داروهایی که شما نام می‌برید، ایرانی نیستند، بلکه تحت لیسانس تولید می‌شوند و تنها بسته‌بندی و مقواسازی آنها داخل کشور انجام می‌شود.»

اختراعی اما عنوان می‌کند در تولید داروی کاملاً ایرانی، مشکلی جدی در کشور وجود ندارد. او همچنین از از ۷۵۰ میلیون یورویی نیز که قرار است از طرف بانک مرکزی به تولیدکنندگان دارو برای تامین مواد اولیه اختصاص داده شود، می‌گوید. ارزی که به درخواست تولیدکنندگان و با دستور رئیس جمهور برای سال آینده در نظر گرفته شده است. رئیس هیات مدیره سندیکای تولیدکنندگان مواد دارویی توضیح می‌دهد: «ذخایر مواد اولیه ما برای تولید دارو تا پایان سال کافی است و طبق سخن رئیس بانک مرکزی، تا دو روز دیگر، ۴۲۰ میلیون دلار ارز دولتی هم به ما تخصیص داده می‌شود و قرار است تا سه هفته دیگر، داروی مورد نیاز کشور تا اواخر فصل بهار تامین شود.»

اختراعی معتقد است در صورتی که اختصاص ارز نظم پیدا کند، مشکلی جدی کشور را تهدید نمی‌کند. او در ادامه از تولید ۷۰ درصدی مواد اولیه دارو در کشور می‌گوید و توضیح می‌دهد تنها ۳۰ درصد مواد اولیه دارو، از بیرون کشور وارد می‌شود و نیاز به ارز دارد. رئیس هیات‌مدیره سندیکای تولیدکنندگان مواد دارویی معتقد است کمبود این روزهای برخی داروهای ایرانی به دلیل تجویز داروهایی با نام تجاری و القایی است و برخی پزشکان با تجویز داروی تجاری، بیمارانشان را به اشتباه می‌اندازند.

با همه این حرف‌ها، اما کشورمان با کمبود دارو مواجه است. نکته‌ای که البته اختراعی هم به آن اشاره می‌کند و از کمبود داروی انسولین می‌گوید. این در حالی است که حدود دو ماه از افتتاح دو کارخانه تولید انسولین در ایران می‌گذرد، اما رئیس هیات‌مدیره سندیکای تولیدکنندگان مواد دارویی تأکید می‌کند انسولین، یک داروی وارداتی است.

او می‌گوید: «ما در تامین مواد اولیه و ساخت ملزومات انسولین وابستگی داریم. در این دو شرکت تولیدی هم فقط مونتاژ انجام می‌شود.» اختراعی البته علت کمبود انسولین در کشور را نابه‌سامانی در شرکت‌های پخش می‌داند و توضیح می‌دهد: «به اندازه کافی، انسولین تولیدی در انبارها موجود است، اما چون شرکت‌های پخش‌کننده در زمان‌بندی‌شان نظم ندارند، مشکل کمبود این دارو را ایجاد کرده‌اند.»